5049 ـ احکام لُقَطه (اشیای پیدا شده)

سوال

حکم کسی که در راه مالی پیدا می‌کند چیست؟ آیا برای او جایز است که آن را بردارد؟

پاسخ مفصل

الحمدلله.

این پرسش به باب لُقَطه مربوط می‌شود که از ابواب فقه اسلامی است. لقطه یعنی مالی که از صاحب آن گم شده است. این دین حنیف برای حفظ مال و رعایت آن، و برای احترام مال مسلمان و محافظت آن آمده است که احکام لقطه نیز در همین راستا است.

اگر مالی از صاحب آن گم شود، از سه حالت خارج نیست:

حالت نخست: کالاهایی که عموم مردم دنبال آن نمی‌گردند و به آن اهمیتی نمی‌دهند؛ مانند تازیانه، یک قرص نان، میوه و عصا. این‌ها را کسی که پیدا کرده مالک می‌شود و بدون نیاز معرفی و اعلان، می‌تواند از آن‌ها بهره ببرد؛ به دلیل روایتی از جابر رضی الله عنه که گفت: «رسول الله ﷺ در مورد عصا، تازیانه و طنابی که شخص پیدا می‌کند، اجازه دادند». به روایت ابوداوود.

حالت دوم: حیواناتی که به دلیل بزرگی جثۀ آن‌ها (مانند شتر، اسب، گاو و قاطر)، یا به دلیل پرواز (مانند پرندگان)، یا به دلیل سرعت دویدن (مانند آهوان)، و یا به دلیل دفاع از خود با دندان و چنگال (مانند یوزپلنگ‌ها)، از درندگان کوچک در امان هستند. برداشتن این دسته اموال با تمام انواع آن حرام است و یابنده حتی با معرفی و اعلان نیز مالک آن‌ها نمی‌شود؛ به دلیل سخن پیامبر ﷺ هنگامی که دربارۀ شتر گم‌شده از ایشان پرسیدند: «تو را با آن چه کار است؟! مشک آب و کفش‌های آن همراه آن است؛ به کنار آب می‌رود و از درختان می‌خورد تا صاحب آن، آن را بیابد». (متفق علیه). عمر رضی الله عنه نیز فرموده است: «هر کس حیوان گم‌شده‌ای را بردارد، او خود گمراه است»؛ یعنی خطاکار است. پیامبر ﷺ در این حدیث حکم کردند که این حیوانات نباید برداشته شوند، بلکه باید رها شوند تا آب بنوشند و از درختان بخورند تا صاحب آن‌ها، آن‌ها را پیدا کند.

ابزارهای بزرگ مانند دیگ‌های بزرگ، چوب، آهن و چیزهایی که خودبه‌خود حفظ می‌شوند و به این سادگی ضایع نمی‌گردند

و از جای خود منتقل نمی‌شوند نیز همین حکم را دارند و برداشتن آن‌ها مانند حیوانات مذکور حرام است، بلکه این‌ها به طریق اولی نباید برداشته شوند.

حالت سوم: سایر اموال گم‌شده؛ مانند پول، کالاها و حیواناتی که در برابر درندگان کوچک توان دفاع ندارند، مثل گوسفند، بره و گوساله. این بخش اگر یابنده نسبت به حفظ امانت از سوی خود مطمئن باشد، برداشتن آن‌ها برای او جایز است و این‌ها سه نوع هستند:

نوع اول: حیوان حلال‌گوشت؛ مانند بره، گوسفند و مرغ. یابنده اگر آن را بردارد، باید یکی از این سه راه را که به نفع صاحب مال است برگزیند:

۱. آن را بخورد و قیمت آن را همان زمان به عهده بگیرد.

۲. آن را بفروشد و پس از ثبت ویژگی‌های آن، پول آن را برای صاحب آن نگاه دارد.

۳. از آن نگهداری کند و از مال خود برای آن هزینه نماید؛ او مالک حیوان نمی‌شود و هرگاه صاحب آن آمد و آن را تحویل گرفت، هزینه‌ها را از او بازپس می‌گیرد.

زیرا پیامبر ﷺ هنگامی که دربارهٔ گوسفند از ایشان پرسیدند، فرمودند: «آن را بردار، چرا که آن یا برای توست، یا برای برادرت، یا برای گرگ». (متفق علیه). معنای آن این است که گوسفند ناتوان است و در معرض نابودی قرار دارد و میان این است که یا تو آن را برداری، یا دیگری، و یا اینکه گرگ آن را بخورد.

ابن‌قیم رحمه الله در شرح این حدیث شریف می‌گوید: «در این حدیث جواز برداشتن گوسفند آمده است و اینکه اگر صاحب گوسفند نیاید، مال یابنده می‌شود؛ پس او میان خوردن آن در همان زمان و پرداخت قیمت آن، یا فروختن و حفظ پول آن، و یا نگاه داشتن و هزینه کردن برای آن از مال خود مخیر است. همچنین علما اجماع دارند که اگر صاحب آن پیش از آنکه یابنده آن را بخورد بیاید، حق دارد آن را پس بگیرد».

نوع دوم: چیزهایی که بیم فاسد شدن آن‌ها می‌رود؛ مانند هندوانه و میوه. یابنده باید آنچه را به مصلحت صاحب مال است انجام دهد؛ یعنی یا آن را بخورد و قیمت آن را به صاحب آن بپردازد، یا آن را بفروشد و پول آن را تا آمدن صاحب آن حفظ کند.

نوع سوم: سایر اموال به جز دو نوع قبلی؛ مانند پول و ظروف. یابنده ملزم است همه را به عنوان امانت نزد خود حفظ کند و در محل تجمع مردم به معرفی و اعلان آن‌ها بپردازد.

برداشتن لقطه با تمام انواع آن جایز نیست، مگر زمانی که یابنده نسبت به حفظ امانت مطمئن باشد و توانایی معرفی مواردی

که نیاز به اعلان دارند را داشته باشد؛ به دلیل حدیث زید بن خالد جهنی رضی الله عنه که گفت: از پیامبر ﷺ دربارهٔ لقطهٔ طلا و نقره پرسیدند، فرمودند: «بند و ظرف آن را بشناس، سپس یک سال آن را معرفی کن؛ اگر صاحب آن شناخته نشد، آن را هزینه کن و باید [قیمت آن] به عنوان امانت نزد تو باشد؛ پس اگر روزی از روزگار صاحب آن آمد، آن را به او بده». و دربارهٔ گوسفند پرسیدند؟ فرمودند: «آن را بردار، چرا که آن یا برای توست، یا برای برادرت، یا برای گرگ». و دربارهٔ شتر پرسیدند؟ فرمودند: «تو را با آن چه کار است؟! مشک آب و کفش‌های آن همراه آن است؛ سر آب می‌رود و از درختان می‌خورد تا صاحبش، آن را بیابد». (متفق علیه).

معنای سخن پیامبر ﷺ که فرمودند: «بند و ظرف آن را بشناس» چنین است: «وکاء» همان بندی است که ظرف حاوی مال را با آن می‌بندند و «عفاص» همان ظرف یا کیسه‌ای است که مال در آن قرار دارد.

معنای سخن ایشان که فرمودند: «سپس یک سال آن را معرفی کن» این است که آن را در محل تجمع مردم مانند بازارها، در مساجد و محافل، به مدت یک سال کامل برای مردم ذکر کن. بنابراین در هفتهٔ نخست پیدا شدن، هر روز اعلان می‌شود، چون احتمال آمدن صاحبش در آن هفته بیشتر است؛ و پس از هفتهٔ نخست، طبق عادت مردم اعلان صورت می‌گیرد.

(اگر این روش معرفی در گذشته بوده است، یابنده لقطه را با روش‌های مناسب این عصر معرفی می‌کند؛ مهم این است که مقصود حاصل شود و آن بذل توان برای رسیدن به صاحب مال است).

این حدیث بر وجوب معرفی لقطه دلالت دارد. همچنین سخن پیامبر ﷺ که فرمودند: «بند و ظرف آن را بشناس»، دلیلی بر وجوب شناخت صفات آن است تا هرگاه صاحب آن آمد و آن را دقیقاً مطابق با آن صفات توصیف کرد، مال به او داده شود؛ اما اگر توصیف او با واقعیت متفاوت بود، دادن مال به او جایز نیست.

و سخن ایشان که فرمودند: «اگر شناخته نشد، آن را هزینه کن»، دلیلی بر این است که یابنده پس از گذشت یک سال و پس از معرفی، مالک آن می‌شود؛ اما پیش از شناخت صفات آن (یعنی شناخت ظرف، بند، مقدار، جنس و صفت آن) در آن تصرف نمی‌کند. پس اگر صاحب آن بعد از یک سال بیاید و آن را با اوصافی مطابق با آن اوصاف توصیف کند، یابنده باید [معادل] آن را به او پس بدهد؛ به دلیل سخن پیامبر ﷺ: «پس اگر روزی از روزگار صاحب آن آمد، آن را به او بده».

از آنچه گذشت روشن شد که در مورد لقطه رعایت چند امر الزامی است:

نخست: هنگامی که آن را یافت، تنها در صورتی برای برداشتن آن اقدام کند که در خود امانت‌داری برای حفظ آن و توانایی برای معرفی آن را سراغ داشته باشد تا صاحب آن پیدا شود. کسی که نسبت به امانت‌داری خود مطمئن نیست، جایز نیست آن را بردارد؛ و اگر برداشت، مانند غاصب است، زیرا مال دیگری را به طریقی که برای او جایز نبوده برداشته است و این کار باعث تضییع مال دیگری می‌شود.

دوم: پیش از برداشتن، حتماً باید صفات آن را با شناخت ظرف، بند، مقدار، جنس و صنف آن ضبط کند. مقصود از ظرف، کیسه یا پارچه‌ای است که مال در آن قرار دارد و مقصود از بند، چیزی است که با آن بسته شده است؛ چرا که پیامبر ﷺ به این کار امر کردند و امر، مقتضی وجوب است.

سوم: اعلان و معرفی آن به مدت یک سال کامل الزامی است؛ در هفتهٔ نخست هر روز، و پس از آن بر اساس آنچه عادت است. مثلاً در معرفی بگوید: «هر کس چیزی گم کرده است...» و امثال آن. اعلان باید در محل تجمع مردم مثل بازارها و کنار دروازهٔ مساجد در اوقات نماز باشد. لقطه نباید در داخل مساجد اعلان شود، زیرا مساجد برای این کار ساخته نشده‌اند؛ به دلیل سخن پیامبر ﷺ: «هر کس شنید که مردی در مسجد سراغ گم‌شدهٔ خود را می‌گیرد، بگوید: الله آن را به تو بازنگرداند».

چهارم: اگر صاحب مال آمد و آن را با اوصافی مطابق با واقعیت توصیف کرد، واجب است بدون نیاز به بینه یا سوگند، مال به او تحویل داده شود؛ زیرا پیامبر ﷺ به این کار امر کرده‌اند و توصیف او جایگزین بینه و سوگند است، بلکه چه بسا توصیف او روشن‌تر و صادقانه‌تر از بینه و سوگند باشد. همچنین نماء متصل و منفصل آن را نیز همراه آن می‌دهد. اما اگر نتوانست آن را توصیف کند، مال به او داده نمی‌شود؛ زیرا این مال در دست یابنده امانت است و جایز نیست آن را به کسی بدهد که صاحب بودنش ثابت نشده است.

پنجم: اگر صاحب مال پس از یک سال معرفی نیامد، مالِ یابنده می‌شود. اما واجب است پیش از تصرف، صفات آن را ثبت کند تا اگر صاحب آن هر زمانی آمد و آن را توصیف کرد، در صورت موجود بودن، خود مال را و در صورت موجود نبودن، بدل آن را به او بازگرداند؛ چرا که مالکیت او بر این مال مشروط است و با آمدن صاحب آن از بین می‌رود.

نکتهٔ پایانی: از هدایت اسلام دربارهٔ لقطه، می‌توان به میزان عنایت آن به اموال و حفظ آن‌ها، و توجه به حرمت مال مسلمان و محافظت از آن پی برد. به‌طور کلی از همهٔ این‌ها تشویق اسلام به تعاون در کارهای نیک را درک می‌کنیم. از الله متعال مسئلت داریم که همهٔ ما را بر اسلام ثابت‌قدم بدارد و ما را مسلمان بمیراند.